

چکیده:

کشور عزیزمان ایران با سابقه 7000 ساله از اولین کشورهای صاحب تمدن جهان اسنت و به همین میزان در فرهنگ و هنر نیز از سایر ملل برتر بوده و این برتری را تا به امروز هم تا حدی حفظ کرده وجود شاعران متعدد در ایران، همچنین سایر هنرمندان از جمله نقاشان و کلا تمام مشاهیر ایرانی چون هنر صرفا آن چیزی که امروزه در گروه هنر دسته بندی میشود نیست می توان هر امر زیبا و موثر و مثبتی را هنر و صاحب آن اثر را هنر مند دانست (در این مورد در تحقیق پیش رو بیشتر خواهید خواند) . فرهنگ آریایی اصیل ما، در مسیر تکامل خویش با اسلام بهم آمیخت و باز زیبایی هایی که در این مسیر خلق شد غیر قابل انکار است مثلا هنر معماری اسلامی که ایرانیان مبتکر و شاخ و برگ دهنده به آن بودند

مقدمه

انسانها هنر را برای تسکین خود برگزیده اند ، چه هنرمندان و چه مخاطبان اثر هنری در هنر مایه آرامش می جویند. فرهنگ ایرانی ریشه در تاریخ دارد. عوامل اصلی شکل گرفتن فرهنگ ایران را می توان در امپراتوری پارس ها (هخامنشیان)، دوران ساسانیان، سلطه اعراب، حملات مغول و دوران صفوی جستجو کرد. برای شناخت فرهنگ ایران باید به کشورهای مستقلی که در پیرامون ایران هستند نیز نگریم. افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان و حتی ارمنستان و گرجستان و همچنین کردهای عراق و ترکیه و پاکستان همگی کم یا زیاد گوشه ای از فرهنگ ایران را به ارث برده اند. حتی سرود ملی پاکستان به زبان پارسی است.

در مجموع می توان عناصر فرهنگ ایرانی را که فراتر از مرزهای جمهوری اسلامی ایران است را به اختصار چنین برشمرد: ۱- زبان پارسی که از شاخصه های اصلی فرهنگ ایرانی است. ۲- اعیاد ملی از جمله نوروز و شب یلدا و تقویم هجری شمسی ۳- مذهب تشیع و شاخه های مختلف آن ۴- دین ها و آیین های زرتشتی، مهرپرستی و بهائی (۵- هنر ایرانی) ادبیات و شعر پارسی، معماری ایرانی و غذای ایرانی)، ۶- فرهنگهای کردی و آذربایجانی آنچه در هنر به نظر اصل است ، زیبایی است . هرچند در هرزمانی زیبایی را به شکل های مختلفی درک می کنند. بعضی هنر را آینه واقعیت های موجود در جهان از طبیعت تا زندگی آدمها به حساب می آورند. بعضی زمانی نام هنر را بر چیزی می گذارند که سازنده اش با آن احساس آرامش کند و آنچه در نظر دارد به تمامی بیان کرده باشد.

بعضی می گویند ؛ اگر مخاطب به درستی نفهمد که هنرمند چه می گوید ، اثر چه ارزشی می تواند داشته باشد بعضی از شکل اثر حرف می زنند که اگر اثر هنری از قواعد و شکل درست هنر پیروی نکند ، یک اثر هنری خلق نکرده است . اما اکنون همه این گروه ها بعد از قرن ها بحث می دانند که اثر هنری در واقع همه اینهاست . و تک تک این گروه ها حق دارند ولی بدون بقیه ناقص هستند.

فردوسی طوسی قرن ها قبل گفت "هنر نزد ایرانیان است و بس" مراد وی از این سخن چه بوده و کدام هنر شکوفایی و بالندگی فرهنگی ما را به آنجا رساند که در اخلاقیات متون و تاریخ ما حرف اول را در دنیا می زنند و هنوز هم جایگاه فرهنگی ما در دنیا معین است؟

بیان مسئله "هنر نزد ایرانیان است و بس!" امروزه کمتر هنرمندی را می توان یافت که در اکثر زمینه های هنری فعالیت کرده باشد همچنان که دانشمندان ایران باستان بوده اند!

سخنان بیهوده و نادرست در باره ی این سرود و سخن به جا و درست استاد سخن فردوسی توسی، که اگر نبود ما نیز عرب زبان بودیم، بیشتر بر زبان شماری از آنانی روان شده است یا می شود که فردوسی، زبان و جایگاهش، سد راهی برای آنان بوده است . اینگونه دشمنان دانا، با چنین انگیزه هایی کوشیده اند با وارونه وانمودن درون مایه ی سرودهای استاد سخن فردوسی توسی، که برای رهایی ایرانیان و زبانشان سروده است دست به کارهایی بزنند که آبروی خودشان را می برد و زحمت ما می دارد. نا گفته نماند گاه دوستان نادان نه اینکه آتش بیار معرکه شدت اند که کوس سیقت را نیز از آنان ربوده اند .

برداشت نادرست و نا آگاهانه ی دوستان و یا هرزه درایی آگاهانه ی دشمنان ایران از سخن درست و به جای استاد سخن فردوسی توسی که گفته است: نگیرند شیر ژیان را به خس هنر نزد ایرانیان است و بس کاری ناپسند و به دور از راستی و درستی است که گاه و بی گاه بر زبان فرهنگ مداران نیز روان می گردد! هنر چه ارتباطی

با تمدن ایران داشته و دارد؟

ضرورت انجام پژوهش

چنانچه در زیر همین مقاله آورده ام هنر همه زندگی انسانها را تسخیر کرده و باز می دانیم که هنر خمیر مایه رشد و پیشرفت بشر و کلا همان چیزی است که تمدن و فرهنگ نامیده می شود! یکی از تمدنهای اصیل و قدیمی بشری به گواهی همه تاریخها ایران بوده ایرانی که کورش کبیر آن پایه گذار حقوق بشر است و سعدی آن انسانها را به صلح پایدار دعوت می کند : "بنی آدم اعضای یکدیگرند". به راستی نقش این علم فراگیر و گسترده در تمدن مسلمی چون ایران چه بوده است و آیا این شکوفایی پویاست یا فرهنگ ما به اتمام رسیده است؟

قلمرو هنر

بسته به آنکه هنرمند چه ابزاری را برای بیان هنرش انتخاب کند ، هنرها شاخه‌های مختلفی را تشکیل داده‌اند. همچنان که باید بدانیم بعضی سخن‌ها را فقط با بعضی ابزارها می‌توان گفت . مثلا شاید هیچوقت نتوانیم ، صرفا از روی یک شعر حافظ یک فیلم سینمایی بسازیم ، زیرا حافظ با دقت مطلبی را انتخاب کرده که صرفا با شعر بیان می‌شود . در این صورت این اثر برای همیشه بصورت یک شعر باقی است و هیچکس خود آنرا به زبان دیگر در نمی‌آورد و لی شده است که یک اثر هنری با یک ابزار دیگر بیان بسیار زیبایی به خود گرفته است. اما همچنان که گفته شد ، اصل در هنر زیبایی است . باهر ابزاری که می‌طلبید ، باید چیز زیبا را خلق کنیم و آنرا به جهان و آدمها هدیه کنیم . این می‌تواند برای همیشه ماندگار باشد. مانند مجسمه سازی در دوره‌ای از یونان یا نگارگری دوره عباسی در ایران.

یکی از مسائل مهم در هنر امروز بصری شدن بیش از اندازه آن است ، بصری شدن یعنی آثار هنری از راه دیدن در ما تاثیر می‌گذارند . امروز هر کسی می‌داند که معنی یک قلب ، عشق است . یا همه وقتی تصویر میکی ماوس رامی‌بینیم ، در حالیکه بکلی با یک موش واقعی فرق می‌کند آنرا تشخیص می‌دهیم . همچنانکه بسیاری از رنگها تاثیرات خاصی روی بیننده خود می‌گذارند. این کاری است که هنرمندان در طول قرن‌ها انجام داده‌اند . و همچنان هم معانی جدیدی را در ذهن ما می‌کارند.

هنرهای بصری به انواع مختلفی موجود هستند . اما باید بدانیم که همیشه هنرها درهم تاثیر می‌گذارند و گاه از هم جدا میشوند . یک عکاس می‌تواند از یک نقاشی ایده عکس بگیرد ، یا نقاشی با شنیدن یک موسیقی به فکر کشیدن یک تصویر بیفتد . یا طراحی صحنه از نقاشی ساده پرده‌ها شروع کند ولی آنقدر دور شود که از دل آن نورپردازی ، طراحی لباس و رشته مجزایی بنام طراحی صحنه شکل بگیرد. همچنین بسیاری از رشته‌ها نه بصورت غیر مستقیم با هنر در ارتباط هستند ، مانند معماری که یک رشته مهندسی به حساب می‌آید ولی معماری باید یک هنرمند خوب هم باشد ، یا سینما بصورت عکس علاوه برآنکه هنر است با مسائل فنی و تکنیک های فنی دست و پنجه نرم می‌کند.

عناصر اصلی فرهنگ ایرانی

1. نوروز و تقویم هجری شمسی :

نوروز در زمستان 88 توسط یونسکو میراث بین المملی اعلام شد . نوروز از جشن‌های باستانی ایرانیان است که امروزه در محدوده جغرافیایی فلات ایران یعنی در کشورهای ایران، آذربایجان، افغانستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان، قرقیزستان، قزاقستان و بخش‌های کردنشین کشورهای عراق و ترکیه و سوریه، در روز ۱ فروردین (۲۱ مارس) هر سال برگزار می‌شود. برگزاری جشن نوروز همچنین در زنگبار واقع در آفریقای شرقی که در قدیم سکونتگاه ایرانیان مهاجر بوده رواج دارد. از جشن‌های متعددی که در ایران باستان مرسوم بوده، یا از جشن‌های اندکی که از آن عهد به یادگار مانده، هیچ یک به طول و تفصیل نوروز نیست. نوروز جشنی است که یک جشن کوچک‌تر (چهارشنبه سوری) به پیشواز آن می‌آید و جشنی دیگر (سیزده به در) به بدرقه آن. و نماد آن انداختن سفره هفت سین است. در تقویم جلالی روز اول سال طوری تنظیم می‌شده‌است که با اعتدال ربیعی همگام شود و در نتیجه سالها ۳۶۵ یا ۳۶۶ روز

داشته‌اند. تقویم رسمی ایران و تقویم رسمی افغانستان بر اساس تقویم جلالی ساخته شده‌اند ولی هم طول ماه‌هایشان و هم مبدأ تاریخشان با تقویم جلالی متفاوت است .

2. زبان پارسی (دری و تاجیک)

فارسی، پارسی، یا فارسی دری (در برخی متون قدیم: پارسی دری) زبان رسمی کشور ایران و تاجکستان و یکی از زبان‌های رسمی کشور افغانستان است. در ایران نزدیک به ۷۰ میلیون، در افغانستان ۲۰ میلیون، در تاجیکستان ۵ میلیون، و در ازبکستان پیرامون ۷ میلیون نفر سخنور دارد. زبان فارسی گویش‌ورانی نیز در هندوستان و پاکستان دارد (نگاه: زبان فارسی در شبه قاره هندوستان). رویهمرفته می‌توان شمار فارسی‌دانان جهان را پیرامون ۱۱۰ میلیون نفر برآورد کرد. با وجود اینکه فارسی در حال حاضر زبان رسمی پاکستان نیست، ولی قبل از استعمار انگلیس، زبان رسمی و فرهنگی شبه‌قاره هند در زمان سلسله گورکانیان یا امپراتوری مغولی هند بوده‌است. زبان رسمی کنونی پاکستان، اردو است که در واقع «ایرانی‌شده» زبان هندی و به شدت تحت تأثیر فارسی است و واژه‌های فارسی بسیار زیادی در آن موجود می‌باشد. اکنون نیز به عنوان یک زبان فاخر در بین نخبگان به خصوص در زمینه هنر و موسیقی (موسیقی قوالی) رواج دارد. به خاطر تأثیر بسیار زیاد زبان فارسی در پاکستان، بنیان‌گذاران پاکستان تصمیم گرفتند که سرود ملی کاملاً به زبان فارسی سروده شود. در زبان فارسی به خط فارسی حدود ۳۲ حرف اصلی وجود دارد که به مجموع آنها الفبای فارسی گفته می‌شود .

3. اسلام و مذهب تشیع و شاخه‌های مختلف آن :

اکثریت ایرانیان بعد از حمله اعراب در طول زمان به آیین اسلام گرویدند و مسلمان شدند. مسلمانان بر این باورند که خدا مستقیماً بر بسیاری از پیامبران وحی فرستاده و محمد آخرین آنها است. نزدیک به ۸۹٪ ایرانیان شیعه می‌باشند. شیعیان علاوه بر سه اصل دین توحید، نبوت و معاد به دو اصل دیگر یعنی عدل و امامت نیز باور دارند. در حالی که مذهب شیعه دسته کم از قرن دوم هجری با این نام به معنای پیرو شناخته شده بود و در زمان امام ششم شیعیان رشد قابل ملاحظه‌ای داشت، ولی گسترش و ظهور شیعه دوازده امامه به سبب فعلی از زمان حکومت صفوی در ایران انجام شد که شیعه را مذهب رسمی ایران اعلام نمودند و از تشیع به عنوان ابزاری برای وحدت ملی استفاده نمودند. این مساله که ایرانیان به طور تاریخی به اینکه پادشاهان باید فر شاهنشاهی داشته باشند و خون شاهنشاهی باید در رگ‌هایشان جاری باشد اعتقاد داشته‌اند ، در نزدیک شدن فرهنگ شیعه و ایرانی بسیار موثر بوده‌است. به دلیل گسترش تشیع و شکل‌گیری فعلی آن در زمان پادشاهان صفوی و توسط ایرانیان، فرهنگ ایرانی و شیعه اشتراکات فراوانی دارد.

زبان و فرهنگ آذربایجانی:

با آمدن اقوام آریایی به فلات ایران، اقوام بومی آذربایجان با ایشان آمیخته شدند و در یک اتحاد، پادشاهی ماد را به وجود آوردند. از آن تاریخ به بعد آذربایجان قسمتی از ایران بود و پس از حمله اعراب به ایران در قرنهای ابتدایی ورود اسلام به ایران آذربایجان از کانونهای عمده مقاومت و شورش ایرانیان در برابر اعراب بود. از حدود قرن پنجم هجری به بعد، حوادث متناوب یکی بعد از دیگری آذربایجان را آماج تهاجمات پیاپی قرار داد. بعد از سلجوقیان، دور سلسله جنبانی ترکان آتابای یا اتابکان آغاز و با نفوذ این اقوام و گسترش زبان ترکی، سیطره زبان آذری که بازمانده و متحول شده زبان مادها بود، محدود و رفته رفته رو به کاهش نهاد. با ادامه تسلط ترکان در دوران اتابکان باز هم عده ترک‌ها در سرزمین آذربایجان فزونی یافت و مآلاً زبان ترکی رونق بیشتری گرفت. در دوران مغول‌ها که بیشتر سربازان آنان ترک بودند و آذربایجان را تختگاه خود قرار دادند بازهم به نفوذ ترکان افزوده شد .

بعدها از زمان صفویان که خود به نوعی برخاسته از آذربایجان بودند و ورود اقوام قزلباش و اقوام دگر به آن دیار آذربایجان از اهمیتی مضاعف برخوردار گشت و فرهنگ جدید آذربایجان که تأثیر گرفته از تاریخ پر فراز و نشیب خود بوده‌است، تأثیری شگرف بر تاریخ و فرهنگ ایران گذاشته‌است.

زبان و فرهنگ کردی :

بیشتر تاریخ‌شناسان بر آوازه براین باورند که، کردهای امروز نوادگان مادهای دیروزند. این نکته که که زبان کردی بازمانده زبان ماد است، و التزاما کردهای امروزی هم استمرار از مادهای باستان هستند، تا زمانی که زبان مادی بدرستی شناخته نشده، کماکان یک فرضیه باقی می‌ماند. آیین‌های ایرانی، مانند نوروز، مهرگان، و سده، میان

کردان با شکوه بی‌مانندی برپا می‌گردد و تا امروز هم در میان گروه‌های بزرگی از کردان که به فرقه‌های کهن دینی این سرزمین منسوبند، ردپای بسیاری از باورهای «مغانی»، «مزدکی»، «زروانی» و «مانوی» دیده می‌شود که نمادی از اعتقاد مشترک باستانی آنان با کیش‌های ملی ایرانی می‌باشد. موسیقی کردی بخش بزرگی از موسیقی فعلی ایران را تشکیل می‌دهد و بسیاری از مشهورترین خواننده‌ها و گروه‌های موسیقی سنتی داخل ایران، از کردستان می‌باشند.

دین زرتشتی:

آیین میتراپیسم یا مهر پرستی: مهرپرستی یا آیین مهر یا میتراپیسم بر پایه پرستش ایزد ایرانی مهر (میترا) بنیاد شده بود. به دلیل ارزش مندی آفتاب در این دین برخی نیز این دین را آفتاب پرستی دانسته‌اند. از زمانهای دور پیش از تاریخ ایرانیان پیرو آیین مهر یا کیش بغانی بودند. آیین مهر یک دین یا قانون تدوین شده نیست آیین و سنتی است که آغاز آن تاریک است. اولین گروه آریایی‌هایی که وارد فلات ایران شدند در پیمان نامه‌های میان خود به میترا سوگند می‌خوردند. بسیاری از جشن‌های و سنن ایرانی ریشه در میتراپیسم دارد به طور مثال شب یلدا ریشه در اعتقاد ایرانیان به تولد میترا در این زمان دارد. روزها تا این شب کوتاه می‌شوند و بعد از این شب شروع به طولانی شدن می‌کنند. این جشن در ماه پارسى «دی» قرار دارد که نام آفریننده در زمان پیش از زرتشتیان بوده‌است که بعدها او به نام آفریننده نور معروف شد .

هنر ایرانی شعر و ادبیات :

شعر از جایگاه رفیعی در ادبیات فارسی برخوردار است. نخستین نمونه‌های به دست آمده از شعر در ایران، پیشینه‌شان به روزگار زرتشت پیامبر و سروده‌هایش در گاهان می‌رسد. این سروده‌ها به گویش گاهانی از زبان اوستایی است. همچنین از دوران پهلوانی (اشکانی) منظومه‌هایی - مانند ایاتکار زیربان (یادگار زیربان) و درخت آسوریک - به زبان پهلوی اشکانی در دست است.

هنر در فرهنگ ایرانی اسلامی

- مروری داریم بر قسمتی از هنر ایرانی که با ورود اسلام اوج گرفت و تکامل یافت البته قبل از اسلام در مسیر حیات خود به پیش می‌رفت اما به هر حال تاثیر اسلام در این راستا را در تاریخ از نظر می‌گذرانیم
1. ایران کانون تمدن اسلام به ویژه هنر اسلامی بوده است. میانی هنر قدسی اسلام را می‌توان در این مرز و بوم جست‌وجو کرد و هنر ایرانی از نقاط اوج هنر اسلامی به شمار می‌آید.
 2. برای درک هنر قدسی، باید معنای «امر قدسی» و نیز معنای «هنر» را درک کرد؛ همان هنری که امروز از زندگی بشر جدا شده و به انزوای موزه‌ها گرویده است. البته منشأ صدور امر قدسی، عالم روحانی است که فوق عالم نفس است و نباید با آن اشتباه شود.
 3. امر قدسی را باید در سایه‌ی بینش سنتی نسبت به هستی مورد شناسایی قرار داد. بینش سنتی همان بینشی است که بشر بر مبنای آن زیسته و هنوز هم بسیاری از کشورهای شرقی بر همان مبنا زندگی می‌کنند.
 4. سنت و قداست دو صفت هنر هستند که در حین تفکیک‌ناپذیری، یک‌سان نیستند. صفت سنتی گویای آن دسته از نمودهای سنتی است که به طور بی‌واسطه با میانی روحانی ارتباط دارند. اما هنری قدسی دارای پیوند و نزدیکی با اعمال مذهبی و آداب دینی است که از مضمون دینی و مفهوم رمزی روحانی برخوردار می‌باشد. نقطه مقابل هنر قدسی، هنر دنیوی است و نقطه مقابل هنر سنتی، هنر غیرسنتی است.
 5. شمشیر اسلامی یا مسیحی متعلق به قرون وسطا، مصداقی از هنر سنتی است که میانی و صور هنر اسلامی یا مسیحی در آن تجلی یافته و تزئینات آن، رمزهایی برگرفته از اسلام یا مسیحیت است. اما شمشیر شینتو در معبد آیز ژاپن، به مقوله هنر قدسی تعلق دارد. زیرا شی‌ای آیینی در مذهب شینتو به شمار می‌رود که بسیار مهم تلقی می‌گردد و با سرچشمه الهام آن مذهب مرتبط است .
 - خوش‌نویسی قرآنی نیز در ایران، نمونه‌ای از هنر قدسی محسوب می‌شود، در حالی که مینیاتور، هنری سنتی است و به گونه‌ای غیر مستقیم اصول اسلام را نمود می‌بخشد.
 6. معادل کلمه «Art» در فرهنگ ایرانی، جامعیت این مفهوم و پیوند ارگانیک آن را با دیگر وجوه حیات بازگو می‌کند. این کلمه در فارسی همان فن، هنر و گاه صنعت است. البته امروزه، صنعت برای فن‌آوری (تکنولوژی) استفاده می‌شود.
 7. زندگی انسان سنتی در همه وجوه آن، از کار کردن تا خوردن و خوابیدن، رنگ معنوی دارد. هرچند، هنر قدسی شاخه‌ای از هنر سنتی است که با حیات سنتی پیوند خورده است، اما به صورت خاص، آن بخش از فعالیت‌ها و خلاقیت‌ها را در برمی‌گیرد که بی‌واسطه با رمزها و مناسک دینی و روحانی مرتبط هستند.
 8. هنر قدسی اساسی‌ترین وجه هنر سنتی است که بقای آن به طور مستقیم به بقای دین وابسته است و این پیوند حتی پس از سست شدن یا زوال ساختار جامعه سنتی، دوام می‌یابد.
 9. هر مذهب قابلیت پذیرش قالب‌های خاص و حتی رموز هنرهای مذاهب پیشین را دارد؛ مانند ورود گنبد به معماری

اسلامی پس از فتح ایران و اقتباس آن از بناهای ساسانی. اما این قالب‌ها و رموزها به وسیله روح وحی جدید، به کلی استحاله شده و در فضای معنوی خاص، معنای جدیدی یافته است. برای مثال، معماری مسیحیت در کلیساها که از قالب‌های معماری روم تقلید نموده است.

10. اسلام نقش‌مایه‌های فراوانی را از ایران پیش از اسلام و میراث هنری فوق‌العاده غنی آن، دریافت کرده است؛ اما این نقش‌مایه‌ها به واسطه روح اسلام استحاله شده و به عنوان جزئی از ساختارهای اسلامی به کار گرفته شده‌اند.

11. معماری اسلامی از همان آغاز به نقطه اوج رسید که تا زمان ما ادامه یافته است و این ویژگی در طول تاریخ نظیر ندارد. سبک سنتی معماری از مواجهه روحانی مذهبی خاص با ذوق و قریحه پیروان آن مذهب، نتیجه می‌شود. خانه سنتی ایرانی به نوعی گسترش و امتداد مسجد (معماری قدسی) تلقی می‌گردد؛ به این معنا که سادگی و طهارت مسجد را استمرار می‌بخشد. فرش‌های ایرانی مثال دیگری است که انسان با کفش بر آنها پا نمی‌نهد و پاک‌ی آیینی‌شان، که نماز و عبادت را بر آنها همچون فرش‌های مسجد ممکن می‌سازد. خلوت اطاق‌های سنتی خالی از میلمان و عناصر فراوان دیگر، میان خانه و مسجد پیوندی معنوی برقرار می‌سازد.

12. قرائت و تلاوت قرآن کریم در محدوده حس شنوایی هنری که از نظر اسلام به معنای دقیق کلمه قدسی تلقی می‌شود، همچون نیرویی روحانی، نقطه اتکای شعر و موسیقی همه ملل مسلمان به شمار می‌آید.

13. شعر کلاسیک فارسی، به ویژه اشعار عرفانی، هنری سنتی و برخوردار از ارزش متعالی است که ماهیتی روحانی و به تعبیری «درمانی» دارد و نابودی آن به وسیله شعر نو، بدین معناست که شعری با جوهره زمینی محض و غالباً گنگ و نامفهوم، جایگزین شعری با کیفیت و منزلت آسمانی شده است. برخی از شعرهای جدید، نوعی زیبایی دارند اما این زیبایی در برابر جهان فوق بشری و آسمانی، صرف نظر از نمادپردازی و مفاهیم نهفته در اشعار قدیم، حقیر جلوه می‌نماید.

14. اسلام با منع و تحریم جنبه اجتماعی موسیقی، به ویژه در شهرها که در آنها بیش از روستاها زمینه تحریک عواطف و انحطاط اخلاقی وجود دارد، موسیقی کلاسیک ایرانی را به مسیر باطنی خود هدایت کرد و آن را به هنری روحانی بدل ساخت. حالات معنوی‌ای که موسیقی سنتی ایرانی برمی‌انگیزد با احوال عرفا و از این طریق با معنای باطن قرآن مقدس پیوند دارد.

15. عمق و غنای موسیقی ایران به گونه‌ای است که تنها واجدین شرایط، یعنی کسانی که خود از عمق درونی برخوردارند، می‌توانند به باطن آن راه پیدا کنند. کسانی که با تفکر و مراقبه انسی دارند، فقط قادرند از نیروی رهایی‌بخش موسیقی بهره جویند؛ نیرویی که بندهای زندگی خاکی را از اندام روح می‌گسلد و مرغ روح را در افق بی‌انتهای آسمان معنویت پرواز می‌دهد.

16. تعزیه، نوعی هنر سنتی خاص شیعیان است که در ایران، نواحی مرز ایران و ترکیه، عراق و شبه قاره هند و پاکستان اجرا می‌شود و عمدتاً حوادث و وقایع کربلا را تجسم می‌کند. این قالب هنری با تئاتر قدسی و مذهبی دیگر ادیان و سنت‌ها، وجه اشتراک دارد.

17. وظیفه اصلی هنرمند ایرانی که در وضعیت استثنایی قرار دارد و به طور کلی هنرمند مسلمان، این است که خود را بشناسد و این عقده ناپسند حقارت در برابر غرب را بازگشاید. حقارتی که از جهل نسبت به سنت و فرهنگ ایران در تمام وجوه به ویژه جنبه‌های معنوی و روحانی ناشی می‌شود. هنر سنتی و قدسی غنی و بارور ایران و در واقع کل هنر اسلامی، ابزار اصلی و اساسی برای درمان این جهل و تشخیص مسیر زندگی است.

مروری بر هنر اصیل ایرانی : نقاشی

ایران به دنیا یک هنر مخصوص را عرضه کرده است که در نوع خودش بی‌مانند است. تاریخ هنر نقاشی در ایران به زمان غارنشینی برمیگردد. در غارهای استان لرستان تصاویر نقاشی شده از حیوانات و تصاویر کشف شده است. نقاشیها بوسیله (W.Semner) بر روی دیواره های ساختمانها در ملایر و فارس که به 5000 سال پیش تعلق دارند کشف شده است.

نقاشی های کشف شده در مناطق تپه سیالک و لرستان بر روی ظروف سفالی، ثابت می کند که هنرمندان این مناطق با هنر نقاشی آشنایی داشته اند.

همچنین نقاشیهایی از دوران اشکانیان، نقاشی های معدودی بر روی دیوار، که بیشتر آنها از قسمت‌های شمالی رودخانه فرات بدست آمده، کشف شده است. یکی از این نقاشیها منظره یک شکار را نشان میدهد. وضعیت سوارها و حیوانات و سبک بکار رفته در این نقاشی ما را بیاد منیاتورها های ایرانی می اندازد.

در نقاشیهای دوران هخامنشی، نقاشی از روی چهره بر سایر نقاشی های دیگر تقدم داشت. تناسب و زیبایی رنگها از این دوران، بسیار جالب توجه است. نقاشی ها بدون سایه و با همدیگر هماهنگی دارند. در بعضی از موارد، سطوح سیاه پر رنگ را محدود کرده اند

مانی، (پیامبر و نقاش ایرانی)، که در قرن سوم زندگی میکرد، یک نقاش با تجربه و ماهر بود. نقاشی های او یکی از معجزاتش بود .

نقاشی (Torfan) که در صحرای گال استان ترکستان در چین بدست آمد، مربوط است بسال 840 تا 860 بعد از میلاد .

این نقاشی های دیوارنما مناظر و تصاویر ایرانی را نمایش میدهند. همچنین تصاویر شاخه های درختی در این نقاشی ها وجود دارند. باستانی ترین نقاشی های دوران اسلامی، که بسیار کمیاب است، در نیمه نخست قرن سیزدهم به وجود آمده بودند. مینیاتورهای ایرانی (طرح های خوب و کوچک) بعد از سقوط بغداد در سال 1285 میلادی بوجود آمدند. از آغاز قرن چهاردهم کتابهای خطی بوسیله نقاشی از صحنه های جنگ و شکار تزئین شدند. چین از قرن هفتم به بعد به عنوان یک مرکز هنری، مهمترین انگیزه برای هنر نقاشی در ایران بود. از آن به بعد یک رابطه بین نقاشان بودائی چینی و نقاشان ایرانی بوجودآمده است .

از لحاظ تاریخی، مهمترین تکامل در هنر ایرانی، تقبل طرحهای چینی بوده است که با رنگ آمیزی که ادراک ویژه هنرمندان ایرانی است مخلوط شده بود. زیبایی و مهارت خارق العاده نقاشان ایرانی واقعاً خارج از توصیف است. در قرن اول اسلامی، هنرمندان ایرانی زینت دادن به کتابها را شروع کردند .

کتابها با سرآغاز و حاشیه های زیبا رنگ آمیزی و تزئین شده بود. این طرحها و روشها از یک نسل به نسل دیگر با همان روش و اصول منتقل می شد، که معروف است به "هنر روشن سازی". هنر روشن سازی و زیبا کردن کتابها در زمان سلجوقیان و مغول و تیموریان پیشرفت زیادی کرد. شهرت نقاشی های دوران اسلامی شهرت خود را از مدرسه بغداد داشت .

پس از هجوم مغولان، یک مدرسه جدید در ایران به نظر میرسید. این مدرسه تحت تأثیر از هنر چینی و سبک مغول بود. این نقاشی ها همه خشک و بی حرکت و خالص و یکسان، مانند سبک چینی است . بعد از حمله مغول به ایران، آنها تحت تأثیر از هنر ایرانی، نقاشان و هنرمندان را تشویق کردند. در میان نقاشی های هنرمندان ایرانی میتوان سبک مغول هم مشاهده کرد، لطافت ها، ترکیبات آرایشی، و خطوط کوتاه خوب که میتوان آنها را بشمار آورد. نقاشی های ایرانی بصورت خطی و نه ابعادی می باشد. هنرمندان در این زمینه از خود یک خلاقیت و اصالت نشان داده اند .

هنرمندان مغول دادگاه سلطنتی نه فقط به تکنیک بلکه به موضوعات ایرانی هم احترام گذاشتند. یک بخش از کارشان شرح دادن به آثار ادبی ایران مانند شاهنامه فردوسی بود . میان موضوعات مختلف بیشترین علاقه آنها به تصویربسم (کتابهای با تصاویر زیاد) بود .

بر خلاف مدارس مغول و بغداد بیشترین کارها از مدرسه هرات بجا مانده است. مؤسس این سبک نقاشی مدرسه هرات بود؛ که از نیاکان تیموریان بودند و این مدرسه را بخاطر محل تأسیس آن مدرسه هراتی نامیدند .

متخصص هنر نقاشی بر این باورند، که نقاشی در ایران در دوران تیموری به اوج خود رسیده بود. در طول این دوره استادان برجسته ای، همچون کمال الدین بهزاد، یک متد جدید را به نقاشی ایران عرضه کرد . دو کتاب با ارزش از زمان بایسفر باقی مانده است؛ یکی کتاب "کلپله و دمنه" و دیگری کتاب "شاهنامه" .

در دوران صفویه مرکزیت هنر به شهر تبریز آمد. و برخی از هنرمندان هم در شهر قزوین ماندگار شدند. اما اصل سبک نقاشی صفویه در شهر اصفهان بوجود آمد .

مینیاتورهای ایرانی، در دوره صفویه در شهر اصفهان، از سبک چینی جدا شده و قدم در راهی جدید نهاد. این نقاشان بعدها به سبک طبیعی متمایل شدند. رضا عباسی مؤسس سبک "مدرسه نقاشی صفوی" بود. در نقاشی های دوران صفوی دگرگونی بسیار عالی در نقاشی ایرانی رخ داد . سبک صفوی بسیار بهتر و ملایم تر از سبک مدرسه تیموریان (هراتی) و مخصوصاً سبک مغولی است .

در نقاشی نقاشان دوران صفوی آشکار شدن تخصص آنها در این رشته بوضوح مشخص است .بهترین معرف از این دوره نقاشی های هستند که در عمارت چهل ستون و عالی قاپو کشیده شده است . در نقاشی های صفوی، موضوع اصلی شکوه و زیبایی این دوره است. موضوعات نقاشی ها بیشتر حول محور بارگاه سلاطین، اشراف زادگان، کاخ های زیبا، مناظر زیبا و صحنه هایی از جنگ ها است . در این نقاشی ها انسانها با لباسهای پرخرج نخ کشی، صورتهایی زیبا و مجسمه های ظریف رنگین به طور پر هیجان روشن به تصویر کشیده شده است. هنر نقاشی در طول دوران صفوی هم زیاد و هم دارای کیفیت بهتر شد. در این نقاشی ها آزادی بیشتر و مهارت و دقت بیشتر مشهود است . هنرمندان بیشتر به اصول کلی پرداخته و از جزئیات غیر ضروری ، خودداری کردند. صافی خطوط، بیان زود احساسات

و متراکم شدن موضوعات از مشخصات سبک نقاشی صفوی است. از آنجاییکه در اواخر دوران صفوی، از لحاظ جنبه فکری اختلافات جزئی در رنگ آمیزی بوجود آورد، میتوان به ظهور سبک اروپایی در این نقاشی ها پی برد . نقاشی های دوران قاجاریه (قرن شانزدهم میلادی) یک ترکیبی از سبک هنرهای اروپایی کلاسیک و سبک و تکنیک مینیاتورهای دوران صفوی است. در این دوران "محمد غفاری (کمال الملک)" سبک کلاسیک اروپایی را در ایران رواج داد. در این دوران سبکی از نقاشی بوجود آمد که بنام "قهوه خانه" شناخته شد. این نوع نقاشی یک پدیده جدید در تاریخ هنر ایرانی است. سبک "قهوه خانه" عامه پسند و مذهبی است. موضوعات این سبک بیشتر تصاویر پیامبران و امامان، شعائر مذهبی، جنگها و نام آوران ملی بودند. "قهوه خانه ها" رفته رفته جای خود را در بین مردم معمولی باز نمودند. در این مکان داستان سرایان و نقالان داستانهای حماسی و مذهبی را برای مردم بازگو میکردند. هنرمندان همان داستانها را بر روی دیوارهای این "قهوه خانه ها" نقاشی کرده بودند. قبلا در گذشته که پادشاهان و اشراف زادگان نقاشان را پشتیبانی میکردند؛ اما اینبار هنرمندان به درخواست مردم عادی آن مناظر را بر روی دیوارها میکشیدند و به این کار علاقه مند بودند .

در بیشتر این قهوه خانه ها این مناظر که بیشتر به درخواست عمومی بود رنگ آمیزی شده بود. زیباترین مثالها در موزه اصلی تهران و همینطور در بعضی از موزه های خصوصی داخل و خارج از کشور نگهداری میشود. نقاشی های ایرانی، یک نوع ملاحظه را که بی شباهت به هر چیز دیگر است به تماشاگر عرضه میکند. آنها یک ارتباط بیکران با داستانهای حماسی نگه داشته اند. نقاشی ایرانی، بعنوان یکی از بزرگترین سبکهای نقاشی در آسیا مطرح است. آسمان های روشن (آبی)، زیبایی شگفت انگیز شکوفه ها و در میان آنها انسانهایی که دوست میدارند و انسانهایی که تنفر دارند، خوشگذران و افسرده، به موضوعات مختلف نقاشان ایرانی شکل میدهند .

هنر ایرانی ارتباطات انسانی را به ارمغان آورده است ماهیت و محتوای هنر و فرهنگ ایرانی ارتباطات انسانی را میان ملت ها و جوامع به ارمغان آورده است. شخصیت ها و هنرمندان ایرانی، هنر و فرهنگ ایران را به خوبی بنمایش گذاشتند. ماهیت و محتوای هنر و فرهنگ ایرانی ارتباطات انسانی را میان ملتها و جوامع به ارمغان می آورد. افتخار می کنیم که فرهنگ ملت مسلمان ایرانی از مبانی و ریشه های انسانی، ارزشهای و باورهای اسلام اصیل و انقلابی برخوردار است. تمدن و آثار قدیم فارسی بعد از ورود دین مبین اسلام، ارزشها و باورهای اسلامی را جذب کرد

تاریخ ایران همواره و دائماً شاهد یک زندگی مسالمت آمیز با سایر ادیان بوده است. ملت بزرگ و عظیم ایران با رفتارها و اتخاذ مشی های عاقلانه و صبوری که داشته، توانسته با ادیان بزرگ الهی و آسمانی رابطه خیلی خوب و زندگی مسالمت آمیزی را تداوم بخشد. اینگونه رفتارها سبب گردیده که ملت ایران از یک امتیاز بزرگ در میان بقیه ملل جهان برخوردار شود.

در ایران همه پیروان ادیان را در کنار هم داریم. در حالی که بر خي کشورها در نزدیکی و کنار ما با مشکلات بزرگ مواجه هستند .

هنر ایرانی در دنیای نو

یک نوازنده ایرانی و یک مجسمه ساز اروپایی، کاربرد ریاضی در هنر را بررسی می کنند این خبر را از سایت خبری فارس برای این مقاله انتخاب کردم چون مثال خوبی است از مورد تحقیق و نشان از درخواست جهانی از هنر ایرانیان دارد

«پیمان ناصح پور» نوازنده تنبک و «آندراس لاگزن» مجسمه ساز، در آلمان کاربرد ریاضی در هنر را بررسی می کنند. «آندراس لاگزن» مجسمه ساز با استفاده از مفهوم «پالیندرم در ریاضی» مجسمه هایی را ساخته است که آنها را در نمایشگاهی در شهر مونستر آلمان از امروز به نمایش خواهد گذاشت. همچنین در این نمایشگاه «پیمان ناصح پور» ارتباط پالیندرم با ریتم های موسیقی را به صورت نظری نشان داده و سپس با تکنوازی تنبک برخی از آن ریتم ها را به صورت عملی بررسی خواهد کرد. مفهوم پالیندرم در ادبیات کهن ایرانی نیز با نام «واروخوانه» یا «مقلوب مستوی» سابقه چند صد ساله دارد.

هنر در فلات ایران

زبان فارسی، هنر ایرانی و... برای هر ایرانی نام آشناست تاجیکستان پاره ای است از پیکره ای تنومند خراسان بزرگ و ایران باشکوه. دست های پیدا و پنهان قدرت مداران، اعضای پیکره ای زیبای عروس علم و فرهنگ و تمدن جهان را قطعه قطعه کرده، امروز قطعه هایی با نام های گوناگون در غربت و دور از مرکز حیاتش، نفس شماره می کنند. با این وجود ایرانیان امروز، تاجیکان را بیگانه نمی دانند و تاجیکان نیز. تاجیکان مردم خون گرم، صمیمی، مهمان نواز و

دوست‌داشتنی، مثل خود ما هستند؛ با وجود مرزهای جغرافیایی، بی‌مرزی عشق و محبت را حس می‌کنند و تو را در آغوش گرم زبان و فرهنگ و آیین مشترک می‌فشارند. در راه تحکیم میانی مشترک فرهنگ و هنر این دو پیکره‌ی جدا شده‌ی از هم (ایران و تاجیکستان) فرهیختگانی تلاش کرده و می‌کنند.

دکتر قهار رسولیان متولد 1953 م ناحیه‌ی دشت‌جم کولاب تاجیکستان، از پدری عالم دینی، وارسته و پشت‌پا زده به جاذبه‌های دنیوی. 1977 م در دانشگاه دولتی کولاب تحصیل دوره‌ی لیسانس را به پایان برد.

به مناسبت‌های علمی و فرهنگی بارها به ایران سفر کرد، در همایش‌ها به ایراد سخن پرداخت. چندین اثر به صورت مقاله و کتاب منتشر کرده است.

برخی از آن‌ها را یادآور می‌شویم: پاکستان (1997)؛ تاریخ مختصر انقلاب ایران (1998)؛ 20 سال انقلاب اسلامی ایران (1999)؛ ایران (2002، ج 2، 2007)؛ از بخارای شریف تا عید تاجیک (2003)؛ نگاهی به روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان (2004)؛ تاریخ عمومی (برای دو پایه‌ی دوره‌ی متوسطه، 2004 و 2008)؛ ایرانیان (2005)؛ کشورهای جهان (2006)؛ تاجیکستان (2007)؛ ایران سرزمین فرهنگ و هنر (2007) علاوه بر این، مقالات متعدد در دانش‌نامه‌ی هنر و ادبیات تاجیک (ج 3، 2004)؛ دانش‌نامه کولاب و مقالات متعدد دیگر در نشریات گوناگون داخل و خارج تاجیکستان انتشار داده است.

کتاب «ایران سرزمین فرهنگ و هنر» مجموعه‌ای از مقالات دکتر رسولیان در باره‌ی تاریخ، فرهنگ، هنر و ادبیات است. این مجموعه در سه فصل تنظیم گردید:

فصل اول: اماکن و مراکز فرهنگی: شامل مقدمه‌ای کوتاه و دوازده مقاله: خراسان و قلب آن (امام رضا(ع))؛ توس و فردوسی؛ همدان، بوعلی سینا و باباطاهر؛ زادگاه خیام و عطار؛ شیراز، سعدی و حافظ؛ اصفهان نصف جهان؛ تهران شهر موزه‌ها؛ دارالفنون مهد فنون؛ فرهنگستان زبان و ادبیات؛ بارگاه شور (کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی در قم)؛ مرکز آموزشی و تحقیقاتی روزنامه‌نگاری در ایران؛ نخستین مرکز تربیت معلم.

فصل دوم: چهره‌های درخشان: شامل یک مقدمه و ده مقاله: شاگردان تبریزی بهزاد (کمال‌الدین)؛ پایه‌گذار هنر نقاشی معاصر (کمال‌الملک)؛ فرخی (یزدی) و توفان او؛ یادی از علامه دهخدا؛ آن‌که شد زنده و جاوید... (ابوالحسن صبا)؛ پدر علوم جدید ایران (پرفسور حسابی)؛ لغوی بزرگ (محمد معین)؛ علامه آیه‌الله مطهری؛ اختر هنر (علی حاتمی)؛ موفق‌ترین فیلم‌ساز آخر قرن 20 (عباس کیارستمی).

فصل سوم: پژوهش‌های دیگر: شامل هفده مقاله: ما هم در عالم نقشی داریم؛ تاثیر فرهنگ ایرانی در غرب (نمادهای عقاب، شیر، اسب، صلیب)؛ مرزهای سیاسی ایران در طول تاریخ؛ هنر ایرانیان در گذر زمان (خوش‌نویسی)؛ زبان فارسی در طول تاریخ؛ سامانیان از کدام تبارند؟؛ جغرافیای نظری در عهد سامانیان؛ تأثیر تمدن ایرانی در هند؛ نگاهی به دایره‌المعارف‌نگاری در ایران؛ زبان فارسی در چین.

برخی از روشنفکران تاجیک پس از استقلال (فروپاشی شوروی سابق) به اندیشه‌ی ناسیونالیستی سخت دامن می‌زنند. برای حفظ هویت و استقلال خود در برابر اقوام دیگر به ویژه روس‌ها و ترک‌های ازبک و قرقیز و قزاق و... تلاش‌های چشم‌گیری از خود نشان می‌دهند. به عبارت دیگر مردم ایران و تاجیک را یگانه و هم‌نژاد و تبار دانسته است و جدا کردن این مردم را نادرست می‌داند. امروزه در تاجیکستان به حکومت سامانیان به عنوان اولین حکومت مستقل تاجیکان سخت توجه می‌شود و از آن به عنوان افتخار ملی یاد می‌گردد. میدان سامانی، علاوه بر کتاب‌ها و مقاله‌ها، سرودها و شعارها و... تندیس امیر اسماعیل سامانی نماد و نشانه‌های توجه به این موضوع است.

ما با ملل تاجیک و افغانستان برادران رسمی هستیم و نیز تمام گستره فارسی‌زبانانی که نوروز را جشن می‌گیرند به نوعی برادران ما باند منجمله بخشی از گرجستان و چند ایالت دیگر شوروی سابق!

بگذریم که برادران افغان ما به خاطر فقر و جنگ از سربلندی پاریس فاصله گرفته اند اما هنر ایرانی در کل فلات ایران مورد درخواست است و روزی این آرزو تحقق خواهد یافت که نژاد آریایی با آرامش و همکاری، هنر و تمدن و فرهنگ ایران را به جهان معرفی کنند و بر آن بیابند

هنر و فرهنگ ایران در خطر یک بعدی شدن است

"وزارت ارشاد از فعالیت‌های فرهنگی و هنری حول محور مسجد به طور جدی حمایت می‌کند" این گفته را آقای صفار هرنندی وزیر فرهنگ و ارشاد شنبه 26 اسفند ماه 1385 به نقل از روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد در جمع نماز گزاران مسجد شهید ساداتی یزد گفته است.

گفته‌ای که به راحتی نشان می‌دهد که چرا ایران امروز ما به شدت با کمبود فعالیت‌های متنوع فرهنگی و هنری روبرو است. فعالیت‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به طور روزمره به سوی بسته شدن و یک بعدی بودن پیش می‌رود، در حالی مقوله فرهنگ و هنر در شرایط تک بعدی نمی‌تواند رشد کند. خلق و نوآوری که موتور تکامل و

توسعه ی هنر است نیاز به محیطی باز و بدون فشار و سانسور دارد .
در کشور ما هر فعال هنری یا فرهنگی با واژه هایی چون اجازه ندارد، توقیف ، سانسور، بگیرد و ببندید روبروست .
به طور قطع اسلام متعالیترین دینی است که برای بشر به ارمغان آورده شده اما در سرزمین هنر خیزی چون ایران
محدود کردن هنر به موضوعات اسلامی، هنر اصیل ایرانی و زیباییهای آن را خواهد کشت
هنری که هیچ منافاتی با اسلام ندارد بلکه مکمل هنر اسلامی ایران است امید که مسئولین اندکی به آسیبهای
وارد به هنر ایرانی با تک بعدی شدن آن توجه کنند

نتیجه گیری:

بس، و بس و بسا واژه هایی هستند همانند و هم ریشه، که به چم و معنای بسیار و بسیاری، افزون و افزون بر،
فراوان، به فراوانی و همچنین بسنده، کافی و به اندازه ی نیاز، به کار برده می شوند.
واژه ی " بس "، در سرود "هنر نزد ایرانیان است و بس"، نیز چنین باری دارد و به هیچ روی نمی گوید، هنر تنها نزد
ایرانیان است و این تنها ایرانیان هستند که هنر دارند، این سرود می گوید " بسی و بسیاری، یا به اندازه ی نیاز، هنر
نزد ایرانیان است. همین و همین!

روش تحقیق

گفتگو با برخی مسئولین آموزشی، اینترنت، مقاله های تحقیقاتی روزنامه ها، صحبت با دانش آموزان.

منابع:

اینترنت:

Farsnews.com

wikipedia

کتاب:

ایران سرزمین فرهنگ و هنر، دکتر قهار رسولیان

هنر و معنویت اسلامی، سید حسین نصر

آشنایی با میراث هنری و فرهنگی ایران، احمد تهرانی مقدم